

عوامل موثر ارتباطی بر عملکرد مدیران رادیو

1-ارتباط، توزیع اطلاعات به منظور هدایت رفتار انسان است که برای برقراری مناسبات دو طرف از طریق حس ادراک توسط یک طرف و ایجاد سرعت انتقال، درک پاسخگویی در طرف مقابل ایجاد می شود.

2-ارتباطات میان فردی زمانی موثرتر خواهد بود که فضای حاکم فضایی مبتنی بر برابری باشد. به عبارتی اگر بخواهید ارتباط با یکدیگر ارتباط موثر باشد، باید تساوی در شخصیت آنها مورد توجه باشد و یا اینکه به نقاط مشترک که نوعی تساوی است، تاکید بیشتری شود.

3-اهمیت مدیریت و نقش مدیران در جهان امروز در تحقق آرمان های سازمانی بیش از هر زمان دیگر آشکار شده است، به نحوی بر نقش کلیدی مدیران در کلیه تحولات اجتماعی و اقتصادی تاکید شده و دستاوردهای روزافزون خود را مرسوم عملکرد مدیران خود می دانند. این مسئله سبب شده که متخصصان و نظریه پردازان در ادامه تلاش های پربار گذاشته با معرفی فنون و شیوه های نوین، در پی شناسایی بهبود عوامل موثر در کارایی و عملکرد مدیریت باشند.

4-ارتباطات صحیح و موثر میان کارکنان و مدیران سازمان همواره از اجزای مهم موفقیت مدیران در سازمان است. موضوع ارتباطات میان فردی در سازمان دارای چنان اهمیتی است که می توان گفت: اولین وظیفه مدیران است که سیستم ارتباطات میان فردی را در سازمان گسترش دهد.

5-موضوع ارتباطات میان فردی در سازمان دارای چنان اهمیتی است که می توان گفت اولین وظیفه مدیران است که سیستم ارتباطات میان فردی را در سازمان گسترش دهد.

6-اصلاح و وضعیت حق الزحمه و برآورد برنامه ها متناسب با توانایی و کارایی عوامل باعث افزایش انگیزش کارکنان می شود. همچنین ایجاد یک سیستم مناسب ارزیابی عملکرد برای ارتقای شغلی افراد در سمت های سازمانی باعث تقویت روحیه کارکنان برای انجام وظایف شود.

7- برای ارزیابی هرچه بهتر و منطقی تر عملکرد مدیران، یک سیستم منسجم ارزیابی عملکرد با تکیه بر مطالعه تطبیقی مدل های متنوع و بایبهره گیری از اطلاعات رده های بالاتر، رده های پایین تر، ارزیابی همکاران و خودارزیابی فراهم شود تا امکان وجود هرگونه خطا و انحراف احتمالی به حداقل ممکن کاهش یابد و ضریب اطمینان ارزیابی را تا حد قابل توجه افزایش دهد.

مجله رادیو شماره 58 صفحه 123 نویسنده: مرتضی ندیری کارشناس ارشد مدیریت

اخلاق توحیدی و نقش آن در انگیزش

1- در حقیقت، اخلاق توحیدی تنها در پی تهذیب اخلاق نیست، بلکه تهذیب اخلاق لازمه دیدگاه توحیدی است. با این توضیح مراد و مبنای مورد نظر از (اخلاق توحیدی) آشکار می شود.

2- فقدان بینش توحیدی در انگیزه بقا انسان رابه دنیا پرستی و دنیا خواهی مبتلامی کند. و راه رهایی از این رذیلت سمت و سودادن صحیح به انگیزه بقاست که با بینش توحیدی می توان از این رذیلت اخلاقی پاک شد.

3- انسان موحد در دیدگاه اخلاق توحیدی، پایانی برای ضعف ها و کاستی های خود نمی بیند و همیشه انگیزه (قدرت) او رابه سمت بی نهایت مطلق می کشاند .

4- دیدگاه اخلاق توحیدی انگیزه جمال دوستی معنوی رابه سوی خداوند سوق می دهد، خداوندی که دارای کمالات و زیبایی های بی نهایت است و هر زیبایی که در عالم وجود دارد از آن اوست.

5- یکی از انگیزه های اصلی انسان (کمال) است هر انسانی به طور فطری و غریزی می خواهد روز به روز کامل تر شود. اگر چنین گرایش در نهاد انسان نبود، هیچ انگیزه ای برای پیشرفت و خودسازی و تهذیب نفس در انسان وجود نداشت.

6- نقش اخلاق توحیدی در انگیزش چنان سازنده است که از انسان با انگیزه هایش، که خود منشا بسیاری از ناهنجاری اخلاقی است، انسان خالی از ذرائع اخلاقی و آراسته به فضائل اخلاقی می سازد و تمام ابعاد وجود انسان، ائمه آزمادی و معنوی را در جهت کمال مطلق و بی نهایت و جاودانه قرار می دهد.

7- مومن موحد در دیدگاه اخلاق توحیدی، همه قدرت و عزت را از آن خداوند می داند و هر قدرت و عزتی را که در دیگران هست، از اوست، از اوست دانند. از سوی دیگر هیچ

مجله رادیو شماره 58 صفحه 123 نویسنده: اصغر هادی محقق